

روش نجاشی در نقد رجال

رحیمه شمشیری *

دکتر مهدی جلالی **

چکیده

احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ق) از صاحب‌نامان دانش رجال و پدیدآورنده یکی از نخستین و مهم‌ترین آثار رجالی شیعه، یعنی فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشی) است. گرچه انگیزه مؤلف از تدوین کتاب خویش، بر شمردن آثار و مؤلفات شیعیان بوده، اما وی، به هنگام یادکرد آثار نویسندگان، اطلاعات فراوان و دقیقی درباره مؤلفان کتاب‌ها، طبقات آنان، نسب و نژاد آنان و در نهایت، وضعیت علمی و عملی (جرح و تعدیل) اشخاص و اعتبار آثار آنان ارائه داده است.

این نوشتار درصدد است تا ضمن مطالعه و ارزیابی روش نجاشی در جرح و تعدیل مؤلفان (نقد رجال)، تخصص و تمرکز او در فنّ رجال و همچنین روشمندانه عمل کردن وی را با توجه به فهرست او مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. کلید واژه‌ها: احمد بن علی نجاشی، فهرست، مؤلفان شیعه، آثار و کتاب‌ها، نقد رجال، جرح و تعدیل.

مقدمه

احمد بن علی نجاشی (م ۴۵۰ق) از دانشمندان بنام علم رجال و فهرست نگاری در قرن پنجم هجری بود. او به سال ۳۷۲ق، در کوفه به دنیا آمد و محضر اساتیدی چون شیخ مفید (م ۴۱۳ق) و شریف مرتضی (م ۴۳۶ق) را - که سرآمد دانشمندان زمان خویش بودند - درک نموده، با شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) معاصر بود.

نجاشی علوم آغازین را نزد پدرش، علی بن احمد، فرا گرفت و برای تکمیل معلومات و کسب تخصص در دانش رجال به سفر پرداخت. به تصریح خود وی، در زمان ابن جندی - که از اساتید او بود - رسماً به صف مشایخ حدیثی پیوست.^۱ نجاشی در این زمان بیست و چهار سال بیش نداشت.^۲ نجاشی در هفتاد و هشت سال عمر خویش فقط پنج اثر تألیف نمود^۳ که به نظر می‌رسد کتاب فهرست آخرین و زمانبرترین تألیف وی بوده است؛ زیرا از شواهد و قراین مذکور در کتاب چنین برمی‌آید که نگارش آن در زمان حیات سید مرتضی شروع شده^۴ و بعد از درگذشت او (۳۳۶ق) نیز همچنان ادامه داشته است.^۵

گرچه رسالت اصلی کتاب‌های فهرست، فهرست نمودن آثار و مؤلفات نویسندگان است، اما از آنجا که فهرست نجاشی علاوه بر آن، دارای فواید رجالی فراوان و متنوع، اعم از جرح و تعدیل، نسب‌شناسی، تعیین طبقه نویسندگان و... است، به «رجال النجاشی» نیز نامبردار شده است. فهرست نجاشی مشتمل بر دو جزء و در بردارنده نام و آثار بیش از ۱۲۷۰ مؤلف از مؤلفان شیعه و یا کسانی است که برای شیعه کتاب نگاشته‌اند.

وی در مقدمه کتابش، انگیزه خود را پاسخ به اعتراض گروهی از مخالفان شیعه دانسته که مدعی بودند شیعه سابقه علمی و تألیف آثار ندارد.^۶

بنابر قراین موجود، نجاشی به فاصله اندکی بعد از تدوین الفهرست و الرجال شیخ طوسی تدوین کتاب خود را آغاز نمود.^۷ بنابراین، با فرض اطلاع نجاشی از الفهرست شیخ، بررسی و شناخت انگیزه او از تدوین فهرست دیگر، ضروری می‌نماید. نجاشی در این باره، در مقدمه کتاب خود، اشاره به ناکافی بودن و کامل نبودن فهرست‌های پیشین کرده است.^۸ برخی بر آن‌اند که نجاشی در فهرست خود به آثار رجالی شیخ طوسی نظر داشته و گاه مطلبی بر آنها افزوده و گاه با نظر شیخ به مخالفت پرداخته است.^۹

این مقاله درصدد است تا روش نجاشی را در بیان وضعیت رجالی اشخاص و ارزیابی آثار آنان به دست دهد و در این مسیر، با پیش نهادن فرضیاتی چند، به پیش می‌رود؛ مانند این که تخصص و تمرکز نجاشی را در علم رجال باید تابع محیط و موقعیت او در بغداد (مرکز سیاسی، علمی و فرهنگی آن زمان)، اساتید و دوستان خیره او در علم رجال و ویژه‌گرایی نامبرده در این علم دانست. نیز این که نجاشی در شناساندن ضعیفان و آثار ساختگی و ضعیف از سیره و روش دوست و استاد خود، ابن غضایری، پیروی کرده است.

۲. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۳۰-۴۳۳.

۴. همان، ص ۳.

۶. همان، ص ۳.

۸. رجال النجاشی، ص ۳.

۱. رجال النجاشی، ص ۸۵.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۰۱.

۵. همان، ص ۲۷۰.

۷. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۶.

۹. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۷؛ علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۵.

۱. مهم‌ترین منابع نجاشی در جرح و تعدیل

پیش از ارزیابی روش نجاشی در جرح و تعدیل، شایسته است مهم‌ترین منابع او را در این فن - که از فهرست وی به دست آمده - یادآور شویم. نجاشی از اساتید بزرگ و متخصص در علم رجال و حدیث، همچون: حسین بن عبیدالله غضائری،^{۱۱} فرزند او احمد (ابن غضائری)،^{۱۱} احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی^{۱۲} و محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)^{۱۳} مطالبی را به شکل مکاتبه^{۱۴} و مشافهه نقل کرده است.

همچنین او از آثار پیشینیان علم رجال و حدیث بهره‌ها برده است. او بیشتر از ابو عمرو کشی،^{۱۵} محمد بن حسن بن ولید و احمد بن محمد بن سعید (ابن عقده)^{۱۶-۱۷} نقل کرده است. نجاشی جز این به منابع دیگری نیز نظر داشته است؛ اما آنها از منابع دایمی و مؤثر در دیدگاه رجالی او نیستند.

علاوه بر این، باید گفت که نجاشی به آرای رجالی مکتب حدیثی قم توجه ویژه به همراه نگاه انتقادی دارد که توضیح آن، در ادامه خواهد آمد.

گفتنی است نجاشی در سراسر فهرسته آن‌جا که خواسته وضعیت رجالی اشخاص و آثار آنان را مشخص سازد، عموماً از اصطلاحات ویژه علم رجال استفاده کرده است. تقریباً می‌توان گفت که نجاشی ذیل بیشتر تراجم صاحبان اصول و تصانیف از این گونه اصطلاحات استفاده کرده است.

۲. شناسایی‌ها

۱- ۲. شناسایی شخصیت‌های ساختگی و راویان مجهول

نجاشی به صراحت بیان می‌دارد که نام عباده ابو سعید عصفری را ابو سمینه جعل کرده است.^{۱۸} او همچنین ذیل نام عماره بن زید خیوانی ابتدا از وضعیت رجالی او اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و سپس می‌نویسد: «درباره او بیش از این نمی‌دانم». در ادامه، به نقلی از حسین بن عبیدالله بن غضائری و او

۱۱. همان، ص ۱۵۴، ۱۲۲.

۱۰. رجال النجاشی، ص ۳۰۳، ۲۳۲، ۸۰.

۱۳. همان، ص ۱۲۸، ۴۸.

۱۲. همان، ص ۳۵۰، ۳۲۴، ۳۳۶، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۷۰، ۱۶۴.

۱۴. منظور نامه‌هایی است که میان نجاشی و اساتید او در خارج از کوفه رد و بدل می‌شد؛ به عنوان مثال، نجاشی با ابن نوح سیرافی - که ساکن بصره بود - (الفهرست، ص ۸۷؛ و رجال النجاشی، ص ۸۶) مکاتباتی چند داشت (و رجال النجاشی ش ۸۶، ص ۴۴، ش ۱۳۶ - ۱۳۷، ص ۵۹).

۱۵. رجال النجاشی، ص ۳۲۸، ۲۵۹، ۱۰۲، ۷۴، ۳۸، ۲۱.

۱۶. همان، ص ۳۷۲، ۳۴۸، ۳۱۶.

۱۶. نجاشی گاه مطالبی را به شخصی با کنیه ابوالعباس استناد می‌دهد و مشخص ننموده منظور کدام ابوالعباس است؛ زیرا کنیه مذکور در فهرست نجاشی برای دو نفر به کار برده شده است: یکی ابن عقده و دیگری ابن نوح سیرافی. برخی با ارائه قراینی مراد نجاشی را در این گونه موارد ابن عقده می‌دانند (قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۳-۶۴) که در این صورت، موارد نقل نجاشی از نامبرده بسیار بیشتر می‌شود.

۱۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۸، ۱۶۰.

۱۸. همان، ش ۷۹۳، ص ۲۹۳.

از بعضی صاحب نظران شیعه می‌پردازد و می‌نویسد:

از عبدالله بن محمّد بلوی مصری دربارهٔ عمارهٔ بن زید خیوانی مصری پرسیدند: این شخص کیست که فقط تو از او روایت می‌کنی؟ پاسخ داد: او مردی بود آسمانی که فرود می‌آمد و بر من حدیث می‌کرد و سپس به آسمان برمی‌رفت.

نجاشی در ادامه، پس از ذکر چند کتاب منسوب به عمارهٔ بن زید می‌گوید:

کتاب‌های زیادی به او نسبت داده‌اند.

وی در پایان، تردید خود را نسبت به وجود خارجی داشتن چنین شخصی با بیان «الله اعلم» ابراز می‌دارد.^{۱۹} گفتنی است نجاشی، بلوی مذکور را ضعیف^{۲۰} دانسته و ابن‌غضایری وی را کذاب، بسیار جعل‌کننده حدیث و شخصی غیر قابل اعتنا با احادیثی غیر قابل اعتماد شناسانیده است.^{۲۱}

نجاشی عوف بن عبدالله را به صراحت مجهول خوانده است.^{۲۲} همچنین در یک طرق روایی‌ای که نجاشی آن را «مظلم»^{۲۳} خوانده، راوی یا راویان مجهول واقع شده است.^{۲۴}

علاوه بر این، نجاشی ذیل شماری از عناوین، از تعبیر «لا یعرف بغیر هذا» و تعبیر مشابه آن استفاده نموده که ظاهراً منظور او مجهول الحال^{۲۵} بودن آنان است؛ به عنوان مثال، نجاشی ذیل نام شخصی به نام «خیثمه» فقط از کتاب او و راوی آن یاد کرده و نوشته است:

لا یعرف بغیر هذا؛ جز این چیزی نمی‌دانم.^{۲۶}

همچنین نجاشی «ابوالشداخ» را به نقل از ابن‌غضایری از پدرش، ناشناس و مجهول معرفی نموده است.^{۲۷} برخی نمونه‌های دیگر آن عبارت‌اند از: ش ۶۰۷ ص ۲۲۹ و ش ۱۲۵۰، ص ۴۵۸.

۲-۲. شناساندن آثار ساختگی و ضعیف

گاه، نجاشی محتوای آثار را مجهول و ساختگی معرفی نموده، همچون مطالب کتاب التخریج فی بنی الشیبان - که از مؤلفات عبید بن کثیر بن محمّد (واضح حدیث) بوده است^{۲۸} - و رسالهٔ ابی‌جعفر الی اهل البصره منسوب به جابر بن یزید جعفی که نجاشی او را «فی نفسه مختلط»^{۲۹} معرفی کرده است.^{۳۰}

۱۹. همان، ش ۸۲۷، ص ۳۰۳.

۲۰. همان، ش ۸۸۴، ص ۳۲۵.

۲۱. الرجال ابن‌غضایری، ش ۹۷، ص ۸۰.

۲۲. رجال النجاشی، ضمن ش ۵۱۲، ص ۱۹۲.

۲۳. طریقی که در آن اشخاص ناشناخته و مجهول وجود داشته باشد (معجم علوم الحدیث النبوی، ص ۳۲).

۲۴. رجال النجاشی، ش ۸۹۹، ص ۳۳۶.

۲۵. اگر مجهول بودن در عین (وجود) راوی باشد، شخص را «مجهول العین» گویند و چنانچه در صفت ظاهری و باطنی او باشد، شخص را «مجهول الحال» نامند (منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۸۹).

۲۶. رجال النجاشی، ش ۴۰۶، ص ۱۵۴.

۲۷. همان، ش ۱۲۵۴، ص ۴۵۹.

۲۸. همان، ش ۶۲۰، ص ۲۳۴.

۲۹. تخلیط در این‌جا به معنای در آمیختن مطالب صحیح به ناصحیح و منشا آن فساد عقل و بروز ضعف پیری در راوی یا عدم ضبط و اتقان وی است؛ در حالی که از سلامت عقل برخوردار است.

۳۰. همان، ش ۳۳۲، ص ۱۲۸.

برخی از مؤلفاتی که نجاشی بر آنها خدشه وارد ساخته عبارت‌اند از: کتاب انا انزلناه فی ليلة القدر حسن بن عباس بن حریش،^{۳۱} کتاب الرسالة حسین بن حمدان خضیبی،^{۳۲} کتاب المزار عبدالله بن عبدالرحمن اصم مسمعی،^{۳۳} کتاب الاظلة عبدالرحمن بن کثیر هاشمی،^{۳۴} کتاب الصغینیات و الکوفیات علی بن عبدالله بن محمد خدیجی،^{۳۵} کتاب تفسیر الباطن منسوب به محمد بن اورمه،^{۳۶} مجموعه مؤلفات مفضل بن عمر جعفی^{۳۷} و یونس بن ظبیان^{۳۸} و بیشتر کتاب‌های علی بن احمد کوفی^{۳۹} و محمد بن عبدالله بن مهران.^{۴۰} مطالب مؤلفات مذکور را نجاشی، به تناسب، فاسد، پوچ و ساختگی دانسته است.

راویان کتاب الایمان و الاسلام مفضل بن عمر جعفی، همگی مضطرب الروایة (بی مبالات و دارای اضطراب در نقل روایت) هستند.^{۴۱}

میاح مداینی - که به شدت تضعیف شده - کتابی دارد که محمد بن سنان در طریق آن وجود دارد و او از میاح مداینی ضعیف‌تر است.^{۴۲}

۳-۲. یادکرد مذاهب مؤلفان

نجاشی در فهرست خود، گاه، مؤلفان غیر امامی را یاد می‌کند. او بیست نفر از مؤلفان اهل سنت، بیست و هشت نفر واقفی، نه نفر زیدی و سه نفر فطحنی را نام می‌برد.

اما در مواردی نجاشی از بیان مذهب مؤلف امتناع می‌ورزد. بنا بر نظر برخی صاحب نظران، هر جا که نجاشی از بیان مذهب شخصی خودداری نموده، ظهور در دوازده امامی بودن او دارد.^{۴۳} آیه‌الله خویی این مطلب را با توجه به کلام نجاشی در مقدمه فهرست چنین تبیین می‌کند:

نجاشی در مقدمه کتابش خود را ملتزم می‌بیند تا از مؤلفان دوازده امامی نام ببرد. بر این اساس، هر کس که نجاشی در کتابش به بیان شرح حال او پرداخته، امامی مذهب محسوب می‌شود، مگر این‌که خود خلاف آن را تصریح کند. در این کتاب، علاوه بر یادکرد مؤلفان امامیه، به شرح حال گروهی از نویسندگان غیر امامی نیز توجه شده است؛ اما در هر مورد، به تمایلشان به مذاهب منحرف و فاسد اشاره شده است.^{۴۴}

بنابر نظر ایشان، تمام اشخاصی که نجاشی به مذهب آنان اشاره نکرده، امامی مذهب هستند؛ اگرچه در کتاب‌های الرجال و الفهرست شیخ مذهب دیگری برای آنان ذکر شده باشد؛ به عنوان مثال،

۳۱. همان، ش ۱۲۸، ص ۶۰.

۳۲. همان، ش ۵۶۶، ص ۲۱۷.

۳۳. همان، ش ۶۹۲، ص ۲۶۷.

۳۴. همان، ش ۱۱۱۲، ص ۴۱۶.

۳۵. همان، ش ۶۹۱، ص ۲۶۵.

۳۶. همان، ش ۱۱۱۲، ص ۴۱۶.

۳۷. همان، ش ۱۵۹، ص ۶۷.

۳۸. همان، ش ۶۲۱، ص ۲۲۴.

۳۹. همان، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹.

۴۰. همان، ش ۱۲۱۰، ص ۴۴۸.

۴۱. همان، ش ۹۴۲، ص ۳۵۰.

۴۲. همان، ش ۱۱۶۰، ص ۴۲۴.

۴۳. رجال بحر العلوم، ج ۴، ص ۱۱۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۶.

۴۴. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۹۶.

سماعة بن مهران - که شیخ او را واقفی دانسته^{۴۵} و نجاشی در بیان مذهب او سکوت ورزیده^{۴۶} - امامی مذهب است.^{۴۷}

به نظر می‌رسد دیدگاه آیه الله خویی درباره سکوت نجاشی نسبت به مذهب اشخاص، صددرصد نمی‌تواند درست باشد؛ زیرا مؤلفانی هستند که علاوه بر شیخ طوسی، اشخاص دیگری چون شیخ صدوق نیز به مذهب غیر امامی آنان اشاره کرده‌اند، اما نجاشی از ذکر آن خودداری ورزیده است.

شیخ طوسی حفص بن غیاث را^{۴۸} عامی مذهب دانسته، در حالی که نجاشی در بیان مذهب وی سکوت اختیار کرده است.^{۴۹}

وهب بن وهب قرشی که شیخ طوسی^{۵۰} به عامی بودن او تصریح نموده، در فهرست نجاشی به مذهب او اشاره‌ای نشده است.^{۵۱}

نکته جالب توجه این‌جاست که آیه الله خویی ذیل این عناوین در کتاب خود، به مطلبی که در مقدمه گفته بود، مبنی بر این‌که نویسندگانی که نجاشی به مذهب آنان تصریح ننموده همگی امامیه هستند، اشاره‌ای نکرده و ظاهر کلام او عامی بودن آن دو را تایید می‌کند.^{۵۲}

انتساب برخی اشخاص به فرقه‌هایی چون فطحی، واقفی و... در زمان نجاشی مشهور بوده، اما نجاشی از یاد کرد مذاهب آنان در فهرست خودداری نموده است. شاید بتوان شهرت مورد اشاره را عامل این امر دانست؛ از جمله، عبدالله بن بکیر^{۵۳} و عمار بن موسی ساباطی^{۵۴} که هر دو در آثار رجالی و روایی شیخ طوسی، فطحی مذهب دانسته شده‌اند. علامه شوشتری معتقد است در فطحی مذهب بودن اشخاص مزبور شک و شبهه‌ای وجود ندارد، اما نجاشی از مذهب آن دو ذکری به میان نیاورده است.^{۵۵}

نجاشی گاه با تعبیر «من اصحابنا» و مشابه آن به امامی بودن مؤلف اشاره می‌کند^{۵۶} و گاه نیز با بیان اصطلاحاتی نظیر: امامی،^{۵۷} حسن الطریقه،^{۵۸} سلیم الاعتقاد،^{۵۹} سلیم الجنیبه،^{۶۰} صحیح العقیده

۴۵. الرجال، ص ۳۳۷.

۴۶. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۹۹.

۴۸. الفهرست، ص ۱۵۸؛ الرجال، ص ۱۳۳؛ هدهد الاصول، ج ۱، ص ۱۴۹.

۴۹. رجال النجاشی، ص ۳۴۶، ص ۱۳۴.

۵۰. الفهرست، ص ۴۸۷؛ التهذیب، ج ۹، ص ۱۷۷؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۴۸.

۵۱. رجال النجاشی، ص ۱۱۵۵، ص ۴۳۰.

۵۲. رجال النجاشی، ص ۵۸۱، ص ۲۲۲.

۵۳. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۱۸.

۵۴. رجال النجاشی، ص ۲۳۴، ص ۹۵، ص ۲۳۷، ص ۹۵، ص ۳۱۱، ص ۱۲۱.

۵۵. همان، ص ۱۱۴، ص ۲۹۴، ص ۱۴۱، ص ۳۶۷ و...

۵۶. همان، ص ۴۳۸، ص ۱۶۶، ص ۹۳۷، ص ۳۴۷، ص ۱۰۷۳، ص ۴۰۵، ص ۱۰۹۷، ص ۴۱۲.

۵۷. همان، ص ۷۰۶، ص ۲۶۹.

۵۸. همان، ص ۵۷۲، ص ۲۱۹.

(الاعتقاد)،^{۶۱} صحیح المذهب،^{۶۲} مستقیم،^{۶۳} مستقیم الطریقه،^{۶۴} مستقیماً فی دینه^{۶۵} و واضح الطریقه،^{۶۶} تصریح به دوازده امامی بودن اشخاص می‌کند.

ظاهراً نجاشی برای پیروان مذاهبی چون فطحیه و واقفیه و موارد مشابه اصطلاحی دال بر ضعف مذهب آنان ذکر نکرده و فقط گاه عناد و تعصب^{۶۷} آنان را یادآور شده است.

او تمام اصطلاحاتی را که بر ضعف مذهب شخص دلالت دارند، برای غالیان و متهمان به غلو و یا برای کسانی که ثبات اعتقادی ندارند و در عقیده متزلزل و مضطرب هستند، استعمال نموده است. در تایید این مطلب باید گفت که نجاشی دربارهٔ محمد بن حسن شمون نوشته است:

او ابتدا واقفی بود و بعداً به جرگه غالیان پیوست و فاسدالمذهب گردید.^{۶۸}

مجموعه اصطلاحات مربوط به ضعف مذهب در فهرست نجاشی عبارت‌اند از: «ضعیف فی مذهبه»، «غال»، «غال المذهب»، «طعن علیه بالغلو»، «رمی بالغلو»، «فاسدالمذهب»، «فاسدالاعتقاد»، «فی مذهبه ارتفاع»، «مرتفع القول»، «متهوم»، «لم یکن بذلک فی المذهب» و «مضطرب المذهب» که در مجموع دربارهٔ سی و هشت تن ذکر شده است.

نجاشی گاه غیرامامی بودن مؤلف را با اصطلاح «قریب الامر» مشخص ساخته است. این اصطلاح نزدیک بودن مؤلف را از لحاظ مذهب و به تبع آن از لحاظ حدیث به مذهب و احادیث امامیه اثنی عشری می‌رساند. او دربارهٔ هشت نفر از اصطلاح مزبور استفاده نموده و گاه آن را مقید به «حدیث» نموده است. او حرب بن حسن طحان را - که کتابی حاوی روایات اهل سنت داشته - و ربیع بن سلیمان بن عمرو را - که همنشین سکونی عامی مذهب بوده - «قریب الامر» معرفی کرده است.^{۶۹}

۴-۲. نویسندگانی که تغییر مذهب داده‌اند

نجاشی گاه پیشینه مذهبی مؤلفان را یادآور می‌شود. او در سیزده مورد مؤلفان مستبصر را که قبلاً دارای مذهبی جز امامیه بوده‌اند، نام می‌برد؛ از جمله: محمد بن مسعود عیاشی که ابتدای امر سنی مذهب بود و سپس به مذهب حق گرایید،^{۷۰} محمد بن عبدالرحمن بن قبه رازی مدت زیادی از عمرش معتزلی بود و سپس مستبصر شد و به مذهب حق روی آورد.^{۷۱} برخی نمونه‌های دیگر عبارت‌اند از: ش ۱۹، ص ۱۶، ش ۱۷ ص ۲۳۲، ش ۶۳۰ ص ۲۳۷، ش ۶۶۳ ص ۲۵۲، ش ۶۶۴

۶۱. همان، ش ۲۰۳، ص ۸۴، ش ۲۵۴، ص ۱۰۲، ش ۹۳۸، ص ۳۴۷ و...

۶۲. همان، ش ۳۱۹، ص ۱۲۴، ش ۳۸۴، ص ۱۴۸، ش ۶۸۰، ص ۲۶۰، ش ۹۴۰، ص ۳۴۹.

۶۳. همان، ش ۹۱۵، ص ۳۴۱.

۶۴. همان، ش ۱۱۴۸، ص ۴۲۷.

۶۵. همان، ش ۱۷۱۹، ص ۲۷۴، ش ۱۰۶۲، ص ۳۹۷.

۶۶. همان، ش ۸۹۹، ص ۳۳۵.

۶۷. همان، ش ۹۴۴، ص ۳۵۰.

۶۸. همان، ش ۳۸۶، ص ۱۴۸، ش ۴۳۵، ص ۱۶۵.

۶۹. همان، ش ۱۰۲۳، ص ۳۷۵.

ص ۲۵۳، ش ۷۰۴، ص ۲۶۹، و

نجاشی مؤلفانی را که دارای پیشینه اعتقادی صحیحی بودند و بعداً دچار انحراف و فساد مذهب شدند، نیز نام می‌برد.^{۷۲}

۵-۲. شناساندن مؤلفان مسامحه کار

نجاشی گاه به مسامحه شماری از مؤلفان در امر روایت و نقل از همه گونه اشخاص اشاره کرده، ولی در عین حال، بیشتر آنان را توثیق نموده و فقط در دو مورد از اظهار نظر رجالی درباره آنان خودداری نموده است.

احمد بن محمد بن خالد برقی، فی نفسه «ثقة» است، اما از ضعف روایت کرده و بر مراسیل اعتماد نموده است،^{۷۳} احمد بن محمد بن جعفر صولی - که در حدیث توثیق شده است و روایات قابل اعتنایی دارد - از ضعیفان روایت کرده است.^{۷۴} علی بن حسن بن علی بن فضال - که موثق دانسته شده - خیلی کم از ضعیفان روایت کرده است،^{۷۵} و محمد بن حسان رازی بسیار زیاد از ضعیفان روایت کرده است.^{۷۶}

نجاشی تسامح صاحب‌نامان و مشاهیر علم رجال و حدیث را نیز متذکر گردیده است؛ از جمله، اصحاب شیعه درباره محمد بن احمد بن یحیی - که در حدیث «ثقه» است - گفته‌اند:

او از ضعف روایت و بر مراسیل اعتماد می‌کرده و هیچ دقتی در این‌که حدیث را از چه کسی اخذ می‌کند، نداشته است. با این وجود، بر خود او ایرادی نیست.^{۷۷}

محمد بن مسعود عیاش سمرقندی «ثقه»، «صدوق» و «عین من عیون هذه الطایفة» بود، اما بسیار از ضعیفان روایت می‌کرد.^{۷۸} شاگرد او محمد بن عمر بن عبدالعزیز کشی نیز همچون استادش، اگرچه موثق دانسته شده، اما بسیار زیاد از ضعیفان روایت می‌کرد،^{۷۹} محمد بن جعفر بن احمد بن بطه در قم منزلت و احترام خاصی داشت. ادب و علم او بسیار زیاد بود، اما وی در حدیث تساهل به خرج می‌داد (یتساهل فی الحدیث).^{۸۰}

با توجه به این‌که نجاشی اغلب مؤلفان فوق الذکر را توثیق نموده است، شاید بتوان گفت این‌که گفته‌اند: «روایت از ضعفاء، نزد قدما، طعنی عظیم بوده است»،^{۸۱} چندان صحیح به نظر نمی‌رسد؛ حداقل نزد نجاشی این گونه نبوده است، مگر این‌که گفته شود «طعن عظیم»، گرچه عیب و ایرادی

۷۲. همان، ش ۵۵۱، ص ۲۰۸، ش ۷۰۷، ص ۳۷۰، ش ۱۰۲۹، ص ۳۷۸.

۷۳. همان، ش ۱۸۲، ص ۷۶.

۷۴. همان، ش ۲۰۲، ص ۸۴.

۷۵. همان، ش ۶۷۶، ص ۲۵۷.

۷۶. همان، ش ۹۰۳، ص ۳۳۸.

۷۷. همان، ش ۹۳۹، ص ۳۴۸.

۷۸. همان، ش ۹۴۴، ص ۳۵۰.

۷۹. همان، ش ۱۰۱۸، ص ۳۷۲.

۸۰. همان، ش ۱۰۱۹، ص ۳۷۲؛ نمونه‌های دیگر از این دست عبارت‌اند از: همان، ش ۱۰۲۰، ص ۳۷۳، ش ۱۱۴۸، ص ۴۷۲.

۸۱. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۸.

بزرگ محسوب می‌شده، لیکن بر وثاقت شخص خدش‌های وارد نمی‌کرده است.

از این مطالب دانسته شد که روایت مراسیل و نقل از ضعفا نزد نجاشی، گرچه عیب به حساب می‌آمده، لیکن مانع از وثاقت ذاتی (فی نفسه) شخص در نگاه او نمی‌شده است. برخی دیگر از عواملی که از نظر نجاشی در وثاقت شخص خللی وارد نمی‌ساخته، عبارت‌اند از:

- پیرو مذاهبی چون اهل سنت، فطحیه، واقفیه، زیدیه و ... بودن،^{۸۲}

- اضطراب در مذهب،^{۸۳}

- از اضطراب یونس بن عبدالرحمن بودن،^{۸۴}

- اضطراب در حدیث،^{۸۵}

- مذهب کلامی و عید داشتن،^{۸۶-۸۷}

- اعتقاد به جبر و تشبیه.^{۸۸}

۳. روش‌ها

۱-۳. معتبر دانستن آثار برخی از مؤلفان با وجود ضعف عملی و اعتقادی آنان

گاه، مؤلفان غیر شیعی کتاب‌هایی چند درباره شیعه و روایات آنان تألیف می‌نمودند. این امر عمدتاً نه به قصد غرض‌ورزی و ایراد نقض بر تفکر شیعی، بلکه به دلیل اشتیاق به علم آموزی و تمایل به احادیث ائمه علیهم‌السلام، به ویژه احادیث امام صادق علیه‌السلام بوده است، لذا کتاب‌هایی را نگاشتند که محتوای آنان روایت منقول از شیعه بود.

نجاشی در فهرست خود نام شماری از رجال اهل سنت را ذکر کرده، آنان را توثیق نموده است؛^{۸۹} اما هیچ‌گاه، به صراحت، آثار آنان را مدح ننموده و به اعتبارشان تصریح ننموده است. هرگاه او از مؤلفان شیعی غیر امامی همچون: زیدیه، فطحیه، واقفیه و ... یاد می‌کند، علاوه بر این‌که گاه به طور مطلق آنان را توثیق می‌نماید (ثقة) و گاه وصفشان را مقید به حدیث (متن روایت شده) (ثقة فی الحدیث) یا روایت (نقل)^{۹۰} (ثقة فی الروایة) می‌کند^{۹۱} و در مواردی به ارزیابی آثار آنان می‌پردازد. او روایات علی بن حسن بن محمد طایبی معروف به طاطری را - که واقفی است - معتمد (در خور

۸۲. همان، ش ۱۹۴، ص ۸۰، ش ۴۴۸، ص ۱۸۴، ش ۵۶۳، ص ۲۱۶، ش ۶۶۷، ص ۲۵۴، ش ۶۷۶، ص ۲۵۷، ش ۸۳۰، ص ۳۰۴، ش ۱۱۹۶، ص ۴۴۳ و ...

۸۳. همان، ش ۱۶۵، ص ۶۸، ش ۱۱۱۷، ص ۴۱۸.

۸۴. همان، ش ۱۱۱۷، ص ۴۱۸.

۸۵. همان، ش ۷۴۲، ص ۲۸۰.

۸۶. وعیدیه یکی از فرق کلامی و شاخه‌ای از خوارج بوده‌اند که مرتکب کبیره راکافر و جاوید در دوزخ دانسته و آنان را قابل عفو نمی‌دانستند (الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۱۴).

۸۷. رجال النجاشی، ش ۱۰۳۶، ص ۳۸۱.

۸۸. همان، ش ۱۰۲۰، ص ۳۷۳، ش ۱۱۸۰، ص ۴۳۸.

۸۹. رجال النجاشی، ش ۱۷۱، ص ۷۲، ش ۲۷۱، ص ۱۰۷، ش ۴۸۸، ص ۱۸۴، ش ۶۳۱، ص ۲۳۸، ش ۶۳۷، ص ۲۴۰، ش ۸۴۷، ص ۳۱۰ و ...

۹۰. مقصود، فرآیند نقل و روایت کردن است. بنابراین، مفهوم مصدری تعبیر مزبور (روایت) مورد نظر است، نه مفهوم اسمی آن‌که مترادف با حدیث و خبر است.

۹۱. در این باره ذیل عنوان «یادکرد مذاهب مؤلفان» پرداختیم.

اطمینان)^{۹۲} و کتاب تفسیر القرآن ابن عقده زیدی را «حسن» (نیکو) دانسته است.^{۹۳} گاه، آثار و مؤلفات اشخاصی که وضعیت مذهب آنان ثباتی ندارد و از این حیث مضطرب هستند، نزدیک [به صحیح] معرفی شده است؛ مانند معلی بن محمد بصری که نه تنها در مذهب، بلکه در حدیث هم مضطرب دانسته شده است.^{۹۴}

گاه، نجاشی آثار مؤلفان ضعیف و مطعون را نیز اعتبار می‌بخشد. او در سه مورد مؤلفات مؤلفان متهم به غلو و ارتفاع را - که ظاهراً خود اتهام آنان را قبول ندارند - با الفاضلی چون «صحیح»، «صحیح الحدیث» و «قریب من السلامة» معتبر دانسته است.^{۹۵}

شاید استنساخ از یک کتاب و قرائت آن بر نویسنده اثر نشان از اعتبار و ارزش کتاب دانسته باشد. نجاشی کتاب الصحیح علی بن عبدالله بن عمران قرشی را - که وی را فاسد المذهب و الزوایة و همچنین «مضطرب جداً» شناسانیده است - برای خود استنساخ کرده و سپس آن را برای مؤلف کتاب - که عارف به فقه (احکام شرعی) بوده است - قرائت می‌نماید.^{۹۶}

نجاشی حسن بن محمد بن سهل نوفلی^{۹۷} و حسن بن راشد طفاوی^{۹۸} را مطلقاً ضعیف دانسته، ولی در عین حال، کتاب‌های هر دوی اینان را با الفاضلی نظیر: حسن، کثیر الفوائد و کثیر العلم مدح نموده است.

۲-۳. بیان ملاک‌های ارزیابی و اعتبار آثار نویسندگان

گاه، نجاشی حین یادکرد مؤلفات اشخاص، تعابیری ذکر می‌کند که از آنها به مدح آن آثار از سوی او بی می‌بریم. اهم تعابیر مزبور به شرح ذیل است:

شهرت کتاب نزد طایفه،^{۹۹} شباهت آثار به کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی،^{۱۰۰} عرضه آثار بر معصوم،^{۱۰۱} مانند نداشتن کتاب نزد اهل سنت،^{۱۰۲} مانند یک کتاب تصنیف نشدن،^{۱۰۳} توصیف و مدح کتاب توسط بزرگان علم حدیث،^{۱۰۴} اعتماد نمودن اساتید حدیث بر کتاب و نقل از آن^{۱۰۵} و روایت کتاب توسط جماعتی بسیار.^{۱۰۶}

- | | |
|---|--|
| ۹۲. همان، ش ۶۶۷، ص ۲۵۴. | ۹۳. همان، ش ۲۳۳، ص ۹۴. |
| ۹۴. همان، ش ۱۱۱۷، ص ۴۱۸. | ۹۵. همان، ش ۸۶، ص ۴۲، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹، ش ۱۰۴۴، ص ۳۸۴. |
| ۹۶. همان، ش ۶۹۸، ص ۲۶۸، ش ۱۲۶۲، ص ۳۶۱. | ۹۷. همان، ش ۷۵، ص ۳۷. |
| ۹۸. همان، ش ۷۶، ص ۳۸. | ۹۹. همان، ش ۱۰۰، ص ۴۸. |
| ۱۰۰. همان، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹. | |
| ۱۰۱. همان، ش ۵۶۵، ص ۲۱۷، ش ۶۱۲، ص ۶۳۰، ش ۱۲۰۸، ص ۴۴۶. | |
| ۱۰۲. همان، ش ۶۱۲، ص ۲۳۰. | |
| ۱۰۳. همان، ش ۳۲۹، ص ۹۶، ش ۲۴۲، ص ۹۷، ش ۷۰۷، ص ۲۷۰، ش ۱۰۲۱، ص ۳۷۴، ش ۱۰۳۰، ص ۳۷۹. | |
| ۱۰۴. همان، ش ۲۳۳، ص ۹۴، ش ۹۳۴، ص ۳۵۰، ش ۱۰۱۹، ص ۳۷۳ و... | |
| ۱۰۵. همان، ش ۸۹۲، ص ۳۳۰، ش ۱۱۸۵، ص ۴۴۰. | |
| ۱۰۶. همان، ش ۲۵، ص ۲۰، ش ۱۴۰، ص ۶۱، ش ۴۲۰، ص ۱۵۹، ش ۵۵۸، ص ۲۱۴، ش ۵۸۲، ص ۲۲۲، ش ۶۱۲، ص ۲۳۰، ش ۷۹۹، ص ۲۹۵ و... | |

۳-۳. تعقیب سیره ابن غضایری

تلاش و کوشش نجاشی در امر شناسای و معرفی مؤلفان ضعیف ما را بدین اندیشه واداشت که عملکرد او را درباره تضعیفات ابن غضایری مورد مطالعه قرار دهیم.

ابن غضایری گاه در مقام دوست^{۱۰۷} و هم درس^{۱۰۸} و گاه در مقام استاد نجاشی بوده است.^{۱۰۹} او که یکی از علمای منتقد علم رجال و فرزند رجالی بزرگ حسین بن عبیدالله غضایری بود، آثاری چند در علم رجال و فهرست تألیف نمود. از جمله آثار او کتاب الضعفاء و المذمومین است که در آن راویان ضعیف معرفی شده‌اند.^{۱۱۰} برخی صاحب نظران به دلیل تضعیف‌های بی‌شمار و تصریح موجود در این کتاب، در انتساب آن به ابن غضایری تردید روا داشته‌اند.^{۱۱۱}

به نظر می‌رسد نجاشی کتاب الضعفاء ابن غضایری را در اختیار داشته و در تضعیفات خود به آن نظر [ویژه‌ای] داشته است.^{۱۱۲} او در فهرست خود در سه مورد، به صراحت، تضعیف مؤلفان را مستند به نقل احمد بن حسین (ابن غضایری) می‌کند.^{۱۱۳}

نجاشی، در مواردی، تضعیفات خود را به «اصحابنا» و «بعض اصحابنا» نسبت داده است و گاه نیز ضعف راوی را به صیغه مجهول بیان نموده که در همه این موارد رأی و سخن نجاشی عیناً یا با اندک تفاوتی در بیان مطالب، همچون آرای رجالی منسوب به ابن غضایری است. برخی نمی‌پذیرند که منظور نجاشی در موارد فوق ابن غضایری باشد و می‌گویند:

ابن غضایری دوست و استاد نجاشی بوده و نجاشی به او اعتماد داشته است. وجهی ندارد که او از بیان نام وی خودداری کند و گاه نیز به صیغه مجهول از او یاد نماید.^{۱۱۴}

اظهار نظرهای رجالی نجاشی درباره اشخاص، ذیل شماره‌های «۱۰۵۹، ۱۰۴۴، ۸۹۱، ۸۸۴، ۶۹۲، ۶۶۰، ۶۲۰، ۵۱۳، ۲۶۴، ۱۴۹، ۱۲۵۵»، به «اصحابنا» یا «بعض اصحابنا» نسبت داده شده که همه آن اشخاص توسط ابن غضایری تضعیف شده‌اند و گاه مطالب نجاشی، عیناً در الرجال ابن غضایری وجود دارد.

چند نمونه

نجاشی روایت حسن بن محمّد بن یحیی، معروف به ابن‌اخی‌طاهر را از اشخاص مجهول و گمنام یادآور می‌شود و سپس می‌افزاید:

۱۰۷. معرفة الحديث، ص ۶۱، ۵۷.

۱۰۹. همان، ص ۲۶۹.

۱۱۰. معرفة الحديث، ص ۶۵، ۶۲؛ الرجال لابن النضر، مقدمه، ص ۱۳.

۱۱۱. الذریعة، ج ۴، ص ۲۹۰، ج ۱۰، ص ۸۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۰۲.

۱۱۲. معرفة الحديث، ص ۶۴؛ پژوهشی در تاریخ شیعه، ص ۴۳.

۱۱۳. رجال النجاشی، ش ۳۱۳، ص ۱۲۲، ش ۴۰۸، ص ۱۵۴، ش ۴۹۰، ص ۱۸۵.

۱۱۴. معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۲۹۳.

اصحابمان را دیدم که او را تضعیف می‌کردند.^{۱۱۵}

با مراجعه به الرجال ابن‌غضایری مشاهده می‌شود که ابن‌غضایری پس از کذاب و وضاع خواندن او، به اعتماد او بر مجاهیل و اشخاص ناشناخته اشاره می‌کند.^{۱۱۶}

نجاشی ذیل نام عبید بن کثیر می‌نویسد:

طعن اصحابنا علیه و ذکرُوا أنه یضع الحدیث.^{۱۱۷}

ابن‌غضایری نیز درباره او نوشته است:

کان یضع الحدیث مجاهرة و ...^{۱۱۸}

نجاشی به نقل از بعضی اصحاب شیعه خبر از وجود ارتفاع در مذهب محمد بن بحر رهنی داده است.^{۱۱۹} ابن‌غضایری نیز وی را تضعیف نموده و سبب آن را ارتفاع در مذهب وی دانسته است.^{۱۲۰}

احتمال می‌رود مرجع بعضی از تضعیفات نجاشی - که به صیغه مجهول بیان شده است - ابن‌غضایری باشد که نجاشی یا به طور مشافهه و یا به نقل از کتاب الضعفاء وی آنها را آورده است.

نجاشی اتهام به ضعف و غلو عبدالرحمن بن ابی‌حماد کوفی را با فعل مجهول «رمی بالضعف والغلو» بیان کرده است.^{۱۲۱} با مراجعه به الرجال ابن‌غضایری مشاهده می‌شود که نامبرده اکیداً

تضعیف شده و ابن‌غضایری خبر از وجود غلو مذهب وی داده است.^{۱۲۲} همچنین نجاشی غالی و فاسد الحدیث بودن محمد بن اسلم طبری را با فعل «یقال» بیان نموده^{۱۲۳} و ابن‌غضایری نیز او را با

اصطلاح مزبور معرفی کرده است.^{۱۲۴}

شاید گفته شود همان اندازه که محتمل است منظور نجاشی از «اصحابنا» یا مواردی که با فعل مجهول بیان داشته، ابن‌غضایری باشد، محتمل است اشخاص دیگری باشند. در پاسخ باید گفت که اگر نتوان صددرصد منظور نجاشی را از قایل مطالب مذکور در همه موارد ابن‌غضایری دانست، حداقل می‌توان گفت که نجاشی در زمینه شناسایی ضعفا و معرفی آنان، هم فکر و هم عقیده با ابن‌غضایری بوده و گام در «گام‌جای» او نهاده است.

نجاشی گاه تضعیف برخی مؤلفان را بدون استناد به مرجعی معین بیان می‌کند که مطالب آن عیناً در الرجال ابن‌غضایری وجود دارد؛ از جمله ذیل عناوین حسین بن احمد بن مغیره^{۱۲۵} و عماره بن زید حیوانی.^{۱۲۶}

جز موارد مذکور، در یک نگاه کلی به مجموعه تضعیفات نجاشی می‌توان گفت بسیاری از آرای

- | | |
|----------------------------|-----------------------------------|
| ۱۱۶. الرجال، ش ۴۱، ص ۵۴. | ۱۱۵. رجال النجاشی، ش ۱۴۹، ص ۶۴. |
| ۱۱۸. الرجال، ش ۹۶، ص ۸۰. | ۱۱۷. رجال النجاشی، ش ۶۲۰، ص ۲۳۴. |
| ۱۲۰. الرجال، ش ۱۴۷، ص ۹۸. | ۱۱۹. رجال النجاشی، ش ۱۰۴۴، ص ۳۸۴. |
| ۱۲۲. الرجال، ش ۹۸، ص ۸۱. | ۱۲۱. رجال النجاشی، ش ۶۳۳، ص ۲۳۹. |
| ۱۲۴. الرجال، ش ۱۷۷، ص ۱۱۵. | ۱۲۳. رجال النجاشی، ش ۹۹۹، ص ۳۶۸. |
| ۱۲۶. همان، ش ۸۲۷، ص ۳۰۳. | ۱۲۵. رجال النجاشی، ش ۱۶۵، ص ۶۸. |

رجالی نجاشی دربارهٔ تضعیف مؤلفان شبیه و نزدیک به اظهارات ابن‌غضایری است؛ از جمله آرای او ذیل شماره‌های «۱۱۴۰، ۱۱۱۲، ۹۴۲، ۹۰۱، ۹۰۰، ۶۹۸، ۵۹۳، ۴۳۵، ۲۷۶، ۱۹۲، ۱۸۲، ۱۵۹، ۱۳۸، ۱۲۵۵ و...».

مطالب مذکور به این معنا نیست که آرای نجاشی همواره با آرای ابن‌غضایری انطباق کامل دارد، بلکه گاه آرای آن دو با هم تفاوت دارد که بعضی اوقات قابل جمع است^{۱۲۷} و گاه قابل جمع نیست.^{۱۲۸} در این باره باید گفت که نجاشی مانند ابن‌غضایری از صاحب نظران بزرگ شیعه در علم رجال بوده و دلیلی نداشته است که همچون مقلدی صرف، به نقل همه اقوال ابن‌غضایری بپردازد. او هم مانند درس و استادش ابن‌غضایری،^{۱۲۹} شخصیتی بسیار معتبر بوده و طبیعی است در کتاب خود، نتیجهٔ پژوهش‌ها و مطالعات خود را دربارهٔ رجال و راویان بیان دارد؛ البته همان گونه که اشاره شد، هر جا هم لازم دانسته، به رأی و سخن ابن‌غضایری توجه کرده و یا بدان استناد جسته است.^{۱۳۰}

۴-۳. الفاظ توثیق نزد نجاشی

نجاشی بسیاری از صاحبان اصول و تصانیف را توثیق کرده است. او گاه از صیغه‌های مبالغه، مانند «اوثق الناس»^{۱۳۱} یا تعابیری که معنای مبالغه در آنها نهفته است؛ مانند «من ثقات اصحابنا»^{۱۳۲} «من وجوه اصحابنا»^{۱۳۳} و «من جلة اصحابنا» (از بزرگان شیعه)^{۱۳۴} در مدح و توثیق مؤلفان استفاده کرده است. همچنین گاه، مؤلفان را با تک واژه «ثقة»^{۱۳۵} توثیق نموده و گاه آنان را با تکرار لفظی «ثقة ثقة»^{۱۳۶} و معنوی «ثقة عین»^{۱۳۷} «ثقة ثبت»^{۱۳۸} اکیداً توثیق نموده است. گاه نیز اصطلاحات مراتب پایینی تعدیل را نظیر: «لابأس به»^{۱۳۹} «صدوق»^{۱۴۰} و «مأمون»^{۱۴۱} استعمال نموده است.^{۱۴۲}

۱۲۷. همان، ش ۲۰، ص ۱۸، ش ۴۹، ص ۲۶، ش ۱۹۹، ص ۸۳
 ۱۲۸. همان، ش ۳۳۲، ص ۱۲۸، ش ۴۸۸، ص ۱۸۴، ش ۵۶۰، ص ۲۱۵، ش ۹۱۵، ص ۳۴۱، ش ۱۱۸۸، ص ۴۴۱، ش ۱۲۱۷، ص ۴۵۱
 ۱۲۹. همان، ص ۲۵۸، ۲۶۹، ۳۲۵، ۸۳
 ۱۳۰. «جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن‌غضایری»، ص ۳۱.
 ۱۳۱. رجال النجاشی، ش ۶۶۳، ص ۲۵۲، ش ۸۸۲، ص ۳۲۳.
 ۱۳۲. همان، ش ۲۱۶، ص ۸۸، ش ۳۱۸، ص ۱۲۴، ش ۱۱۵۰، ص ۴۲۸ و...
 ۱۳۳. همان، ش ۵۰، ص ۲۷، ش ۱۰۳، ص ۴۹، ش ۵۷۰، ص ۲۱۸ و...
 ۱۳۴. همان، ش ۱۵۷، ص ۶۶، ش ۱۱۰۱، ص ۴۱۳.
 ۱۳۵. همان، ش ۳۱، ص ۲۲، ش ۸۸، ص ۴۴، ش ۲۲۴، ص ۹۰ و...
 ۱۳۷. همان، ش ۵۲۰، ص ۱۹۵، ش ۵۳۸، ص ۲۰۲، ش ۵۵۹، ص ۲۱۵ و...
 ۱۳۸. همان، ش ۸۱، ص ۴۰، ش ۸۸، ص ۴۴ و...
 ۱۳۹. همان، ش ۴۰۱، ص ۱۵۳، ش ۴۹۳، ص ۱۸۶، ش ۷۲۶، ص ۲۷۶ و...
 ۱۴۰. همان، ش ۳۷۰، ص ۱۴۲، ش ۴۳۷، ص ۱۶۵، ش ۴۷۳، ص ۱۸۰ و...
 ۱۴۱. همان، ش ۶۷۷، ص ۲۵۹.

۱۴۲. بی‌شک، حال راویان احادیث از جهت میزان وثاقت و ضبط و یا ضعف و عدم ضبط در آنان یکسان نیست. از این رو، محدثان و اهل علم (به ویژه علمای اهل سنت) به رتبه بندی الفاظی که علمای جرح و تعدیل در وصف راویان به کار برده‌اند، همت

نجاشی گاه وجوه وثاقت مؤلف را به تفکیک بیان می‌کند؛ از جمله:
 احمد بن عبدالله بن احمد دوری وراق، کان من اصحابنا، ثقة فی حدیثه، مسکوناً الی روایتہ، ۱۴۳
 احمد بن علی بن عباس بن نوح سیرافی، کان ثقة فی حدیثه، متقناً لما یرویه، فقیهاً، بصیراً
 بالحدیث و الروایة، ۱۴۴

ثابت بن ابی صفیه، من خیار اصحابنا و ثقاتهم و معتمدیهم فی الروایة و الحدیث، ۱۴۵
 علی بن محمّد بن رباح، کان ثقة فی الحدیث، واقفاً فی المذهب، صحیح الروایة، ثبتاً، معتمداً
 علی ما یرویه، ۱۴۶

محمّد بن وهبان دبیلی، ثقة، من اصحابنا، واضح الروایة، قلیل التخلیط، ۱۴۷
 نجاشی گاه، در فهرست، بعضی خاندان‌ها را یک جا مورد توثیق قرار داده است؛ از جمله،
 آل نعیم، ۱۴۸ آل ابی شعبه، ۱۴۹ آل نهیک، ۱۵۰ آل ابی ساره، ۱۵۱ و آل ابی جهیم، ۱۵۲

۴. جرح و تضعیفات نجاشی

۱ - ۴. تفکیک ضعف در مذهب از وثاقت مؤلف

نجاشی معمولاً پیروان سایر فرق اسلامی را توثیق نموده است. او آنان را بیشتر به طور
 مطلق (ثقة) ۱۵۳ و گاه مقید به حدیث (متن نقل شده) ۱۵۴ یا روایت (نقل روایت) ۱۵۵ یا هر دو ۱۵۶
 توثیق کرده است.

اضطراب در مذهب حسین بن احمد بن مغیره مانع از توثیق او در روایت نزد نجاشی
 نشده است. ۱۵۷

◀ گماشته‌اند؛ از جمله کامل‌ترین مراتب جرح و تعدیل مراتب سخاوی (م ۹۰۲ق) صاحب کتاب فتح المغیث است که در شش
 مرتبه تنظیم گردیده است. مراتب تعدیل نزد نامبرده چنین است: مرتبه اول، الفاظی که بر مبالغه در توصیف راوی به عدالت و
 صدق و ضبط دلالت دارند و به صیغه افعال و دالّ بر تفضیل اند؛ مانند «أوثق الناس». مرتبه دوم، الفاظی که مانند الفاظ رتبه اول،
 بر مبالغه در توصیف راوی به این صفات دلالت دارند، لیکن مبالغه آنها خفیف‌تر است؛ مانند «من ثقات أصحابنا». مرتبه سوم،
 الفاظی که بر توثیق راوی دلالت دارند و تکرار شده‌اند؛ چه این تکرار، لفظی باشد، مانند «ثقة ثقة» و چه معنوی، مانند «ثقة
 عین». مرتبه چهارم، انفراد الفاظی است که بر توثیق راوی دلالت دارند؛ مانند «ثقة». مرتبه پنجم، توصیف به الفاظی چون
 «ولأیأس به»، «صدوق»، «مأمون» و ... است. مرتبه ششم، الفاظی است که تقریباً نزدیک به الفاظ جرح‌اند و پست‌ترین مرتبه از
 مراتب تعدیل به شمار می‌آیند؛ مانند «حسن الحدیث» (دانش و جمال از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۴۹ - ۱۵۲).

- | | |
|--|---|
| ۱۴۴. همان، ش ۲۰۹، ص ۸۶ | ۱۳۳. رجال النجاشی، ش ۲۰۵، ص ۸۵ |
| ۱۴۶. همان، ش ۶۷۹، ص ۲۵۹ | ۱۴۵. همان، ش ۲۹۶، ص ۱۱۵ |
| ۱۴۸. همان، ش ۲۷۳، ص ۱۰۸ | ۱۴۷. همان، ش ۱۰۶۰، ص ۳۹۶ و ... |
| ۱۵۰. همان، ش ۶۱۵، ص ۳۳۲ | ۱۴۹. همان، ش ۶۱۲، ص ۲۳۰ |
| ۱۵۲. همان، ش ۱۱۱۸، ص ۴۱۸، ش ۴۷۲، ص ۱۷۹ و ... | ۱۵۱. همان، ش ۸۸۳، ص ۳۲۴ |
| ... و ۴۴۳، ص ۱۱۹۶، ش ۳۱۰، ص ۸۴۷، ش ۲۹۴، ص ۷۹۵، ش ۱۳۲، ص ۴۰، ش ۳۳۹، ص ۱۳۲، ش ۷۹۵، ش ۲۹۴، ص ۸۰، ش ۶۶۷، ص ۲۵۵ | ۱۵۳. همان، ش ۳۷، ش ۲۴، ش ۸۴، ص ۴۰، ش ۳۳۹، ص ۱۳۲، ش ۷۹۵، ش ۲۹۴، ص ۸۰، ش ۶۶۷، ص ۲۵۵ |
| ۱۵۴. همان، ش ۷۸، ش ۳۸، ش ۱۸۱، ص ۷۵، ش ۱۹۴، ص ۸۰، ش ۶۶۷، ص ۲۵۵ | ۱۵۲. همان، ش ۷۸، ش ۳۸، ش ۱۸۱، ص ۷۵، ش ۱۹۴، ص ۸۰، ش ۶۶۷، ص ۲۵۵ |
| ۱۵۵. همان، ش ۹۱۳، ص ۳۴۰ | ۱۵۴. همان، ش ۷۸، ش ۳۸، ش ۱۸۱، ص ۷۵، ش ۱۹۴، ص ۸۰، ش ۶۶۷، ص ۲۵۵ |
| ۱۵۷. همان، ش ۱۶۵، ص ۶۸ | ۱۵۵. همان، ش ۹۱۳، ص ۳۴۰ |

۲-۴. شناساندن مؤلفان ضعیف

نجاشی در فهرست، بیش از صد و چهل نفر از صاحبان اصول و تصانیف شیعه را تضعیف نموده است.^{۱۵۸}

او گاه اشخاصی را مطلقاً ضعیف می‌داند، اما سبب خاصی برای ضعف آنان بیان نمی‌دارد.^{۱۵۹} در مواردی، ضعف اشخاص به صورت مقید بیان شده است؛ به عبارتی، سبب و جهت ضعف اشخاص مشخص شده است. نجاشی عوامل مختلفی را سبب ضعف مؤلفان دانسته که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آن را به سه دسته تقسیم نمود: ضعف در مذهب و فساد عقیده، ضعف در روایت (نقل روایت)^{۱۶۰} و ضعف در حدیث (متن روایت شده)^{۱۶۱} هر یک از این سه عامل، به عدم وجود یکی از سه شرط مهم از شرایط راوی در نقل حدیث برمی‌گردد؛ یعنی، ایمان، عدل و ضبط.^{۱۶۲}

چند نمونه

۱- ۲- ۴. تضعیف مؤلفان به سبب ضعف و فساد مذهب و اعتقاد: ابراهیم بن یزید مکفوف، ضعیف، یقال أن فی مذهبه ارتفاعاً،^{۱۶۳} خیبری بن علان طحان، ضعیف فی مذهبه، فی مذهبه ارتفاع،^{۱۶۴} علی بن عبدالله بن محمد خدیجی، کان ضعیفاً، فاسد المذاهب^{۱۶۵} و....

۲- ۲- ۴. تضعیف مؤلفان به سبب ضعف در روایت و نقل: عبید بن کثیر کوفی، طعن اصحابنا علیه و ذکرُوا أنه يضع الحدیث^{۱۶۶} عبدالرحمن بن کثیر هاشمی، کان ضعیفاً، غمز اصحابنا علیه و قالوا: کان يضع الحدیث،^{۱۶۷} منخل بن جمیل اسدی، ضعیف، فاسد الروایة،^{۱۶۸} وهب بن وهب، ابوالبختری، کان کذاباً.^{۱۶۹}

۳- ۲- ۴. تضعیف مؤلفان به سبب ضعف در حدیث: زکریا بن محمد مؤمن، مختلط الامر فی حدیثه.^{۱۷۰} سالم بن ابی سلمه کنندی، حدیثه لیس بالنقی،^{۱۷۱} علی بن عمر الاعرج، ضعیفاً فی

۱۵۸. همان، ش ۵۹۳، ۵۶۶، ۲۹۸، ۲۷۴، ۴۱۰، ۳۶۰، ۳۳۲، ۳۱۳، ۲۷۸، ۲۳۸، ۱۹۲، ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۳۸، ۷۵، ۴۰، ۲۱، ۱۲۶۲، ۱۱۲۴، ۱۱۲۷، ۱۱۱۲، ۹۹۹، ۹۰۴، ۸۹۴، ۶۹۲، ۶۶۰، ۶۲۰، ۶۰۴، ۵۹۴ و....

۱۵۹. همان، ش ۷۵، ص ۳۷، ش ۷۶، ص ۳۸، ۱۱۸، ص ۵۳، ش ۲۳۸، ص ۹۶، ش ۲۷۶، ص ۱۰۹ و....

۱۶۰. ضعف در روایت و نقل عبارت از فقدان ویژگی عدالت در راوی است و مصداق آن، دروغ‌گویی و وضع و جعل حدیث توسط وی است (روش ابن‌فضالری در نقد رجال، ص ۶۱).

۱۶۱. ضعف در حدیث و استواری متن روایت شده عبارت است از سوء حفظ، فقدان دقت و احتیاط، عدم ضبط در آمیختن احادیث صحیح با غیر صحیح و... است («جریان‌شناسی غلو و غالبان در رجال نجاشی»، ص ۵۱).

۱۶۲. طبق برخی تعاریف، ایمان یعنی امامی مذهب بودن راوی، عدالت، یعنی اجتناب او از گناهان بزرگ و بی‌باک‌نبودن در دیگر گناهان برای وی حالت مداوم و استمراری داشته و خوی او شده باشد و ضبط، یعنی کمتر سهو و اشتباه داشته باشد، نه این‌که از آن مبرا باشد (علم الحدیث و درایة الحدیث، ص ۱۸۵-۱۸۶).

۱۶۳. رجال النجاشی، ش ۱۷۸، ص ۷۴.

۱۶۴. همان، ش ۶۹۲، ص ۲۷۶.

۱۶۵. همان، ش ۲۳۵، ۲۲۱.

۱۶۶. همان، ش ۱۱۲۷، ص ۴۲۱.

۱۶۷. همان، ش ۱۱۵۵، ص ۴۳۰.

۱۶۸. همان، ش ۴۵۳، ص ۱۷۲.

الحديث، ١٧٢ عمر بن توبه صنعانی، فی حدیثه بعض الشیء، يعرف منه و ینکر. ١٧٣
 گاه، مؤلف در دو یا سه جهت مزبور تضعیف شده است و نجاشی وجوه ضعف وی را به تفکیک
 ذکر می‌کند. احمد بن محمد بن سیار، ضعیف الحدیث، فاسد المذهب، مجفو الروایة، کثیر
 المراسیل، ١٧٤. جعفر بن محمد بن مالک فزاری، کان ضعیفاً فی الحدیث، قال احمد بن حسین کان
 یضع الحدیث وضعاً و یروی المجاهیل و سمعت من قال: کان ایضاً فاسد المذهب و الروایة، ١٧٥ سهل
 بن زیاد آدمی، کان ضعیفاً فی الحدیث غیر معتمد فیہ، و کان احمد بن محمد بن عیسیٰ یشهد علیہ
 بالتلو و الکذب، ١٧٦. عبدالله بن قاسم حضرمی، کذاب، غال، یروی عن الثلاة، لا خیر فیہ و لا یعتقد
 بروایته، ١٧٧. محمد بن عبدالله بن مهران کرخی، غال، کذاب، فاسد المذهب و الحدیث، مشهور
 بذلك. ١٧٨.

٣-٤. انواع، درجات و عوامل ضعف اشخاص

نجاشی در آن جا که فاسد المذهب و غالی می‌گوید، ضعف در مذهب را می‌رساند و هرگاه
 مجفو الروایة، فاسد الروایة، کذاب و وضاع بیان داشته، ضعف در روایت (نقل حدیث) و اگر ضعیف
 الحدیث، کثیر المراسیل، یروی عن المجاهیل و یروی عن الثلاة آورده باشد، ضعف در حدیث را مد
 نظر داشته است. بنابراین، نجاشی اشخاص مذکور را در سه حوزه مذهب، روایت و حدیث تضعیف
 نموده است.

گاه، نجاشی اشخاصی را از دو جهت، یکی ضعف در مذهب و دیگری ضعف در روایت (نقل
 حدیث) تضعیف کرده است: سلیمان بن عبدالله دیلمی، غمز علیہ و قیل: کان غالباً کذاباً، ١٧٩ علی بن
 عبدالله بن عمران قرشی، کان فاسد المذهب و الروایة، ١٨٠ مفضل بن عمر جعفی، فاسد المذهب،
 مضطرب الروایة، لا یعبابه، ١٨١ و گاه اشخاصی را به جهت ضعف در مذهب و حدیث (متن نقل شده)
 تضعیف نموده است: ابراهیم بن اسحاق احمری، کان ضعیفاً فی حدیثه، متهمواً ١٨٢ احمد بن حسین
 بن سعید، ضعفوه اصحابنا القمیون و قالوا: هو غال و حدیثه یعرف و ینکر، ١٨٣. محمد بن جمهور عمی،
 ضعیف فی الحدیث، فاسد المذهب، ١٨٤ محمد بن اسلم طبری، یقال انه کان غالباً، فاسد الحدیث، ١٨٥.

١٧١. همان، ش ٥٠٩، ص ١٩٠.

١٧٢. همان، ش ٧٥٣، ص ٢٨٤.

١٧٥. همان، ش ٣١٣، ص ١٢٢.

١٧٧. همان، ش ٥٩٤، ص ٢٢٦.

١٧٩. همان، ش ٤٨٢، ص ١٨٢.

١٨١. همان، ش ١١١٢، ص ٤١٦.

١٨٢. همان، ش ٢١، ص ١٩. ظاهراً متهم و متهم در لسان رجالیان نسبت به دین و مذهب رجال بیان می‌شود. نجاشی گرچه درباره
 ابراهیم بن اسحاق احمری «متهمواً» گفته، اما شیخ طوسی متعلق این وصف را ذیل نام نامبرده (فی دینته) ذکر کرده است
 (الرجال، ص ١٦).

١٨٣. همان، ش ١٨٣، ص ٧٧.

١٨٥. همان، ش ٩٩٩، ص ٣٦٨.

١٨٤. همان، ش ٩٠١، ص ٣٣٧.

موسی بن جعفر کمیدانی، کان مرتفعاً فی القول، ضعیفاً فی الحدیث، ۱۸۶ معلى بن محمد بصرى، مضطرب الحدیث و المذاهب. ۱۸۷

نجاشی گاه در تضعیفات خود نسبت به افراد، قایل به مراتب است؛ به عبارتی او مراتب و درجات جرح را در تضعیفات خود رعایت نموده است. این که گاهی شخصی را «ضعیف» ۱۸۸ و گاه «ضعیف جداً» ۱۸۹ می خواند، و یا گاه شخص را «غال» ۱۹۰ و گاه «غال المذهب» ۱۹۱ می شناساند. و یا گاه درباره شخصی «فیه تخلیط» ۱۹۲ و درباره دیگری «معدن تخلیط» ۱۹۳ می گوید، نشان از رعایت مراتب در بیان جرح اشخاص است. آوردن تک اصطلاحاتی، مانند «غال» ۱۹۴ و تکرار معنوی آن (مانند غال فاسد المذهب) ۱۹۵ نیز نشانگر توجه نجاشی به مراعات سلسله مراتب در بیان ضعف راویان و مؤلفان است.

با توجه به تضعیفات موجود در فهرست می توان مهم ترین عوامل ضعف از نظر نجاشی را چنین برشمرد:

- ضعف و فساد در مذهب و عقیده. ۱۹۶

- دروغگویی. ۱۹۷

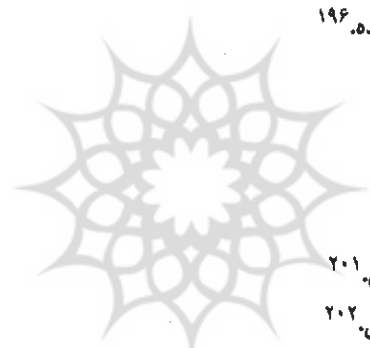
- ضعف در حدیث و روایت. ۱۹۸

- وضاع بودن. ۱۹۹

- روایت از غالیان. ۲۰۰

- روایت ضعیفان و غالیان از راوی. ۲۰۱

- از اصحاب مفضل بن عمر بودن. ۲۰۲



۴-۴. گزارش ضعف مؤلفان از زبان دیگران
 نجاشی در مواردی، چند، ضعف اصحاب اصول و تصانیف را به گروهها و اشخاص دیگر نسبت می دهد و خود صرفاً گزارشگر نقل آنان است؛ از جمله:

۱۸۶. همان، ش ۱۰۷۷، ص ۴۰۶.	۱۸۷. همان، ش ۱۱۱۷، ص ۴۱۸.
۱۸۸. همان، ش ۴۰، ص ۲۴، ش ۷۵، ص ۳۷، ش ۲۷۸، ص ۱۰۹، و...	۱۸۹. همان، ش ۱۲۸، ص ۶۰، ش ۲۳۸، ص ۹۶، ش ۴۱۰، ص ۱۵۶، و...
۱۹۰. همان، ش ۱۸۳، ص ۷۷، ش ۵۵۶، ص ۲۱۷، ش ۹۳، ص ۲۲۶، و...	۱۹۱. همان، ش ۱۱۴۹، ص ۴۲۸.
۱۹۲. همان، ش ۵۷۸، ص ۲۲۱.	۱۹۳. همان، ش ۱۷۷، ص ۷۳.
۱۹۴. همان، ش ۱۸۳، ص ۷۷، ش ۵۹۳، ص ۲۲۶.	۱۹۵. همان، ش ۹۴۲، ص ۳۵۰.
۱۹۶. همان، ش ۴۰۸، ص ۱۵۴، ش ۴۰۰، ص ۱۵۲، ش ۷۰۷، ص ۲۷۰.	۱۹۷. همان، ش ۹۴۲، ص ۳۵۰، ش ۵۹۴، ص ۲۲۶.
۱۹۸. همان، ش ۱۹۲، ص ۸۰، ش ۸۹۸، ص ۳۳۵، ش ۹۹۹، ص ۳۶۸.	۱۹۹. همان، ش ۹۰۴، ص ۳۳۸، ش ۶۲۰، ص ۲۳۴.
۲۰۰. همان، ش ۵۹۴، ص ۲۲۶.	۲۰۱. همان، ش ۱۱۸، ص ۵۳، ش ۳۳۲، ص ۱۲۸، ش ۴۱۰، ص ۱۵۶، ش ۸۸۴، ص ۳۲۴.
۲۰۲. همان، ش ۲۴۷، ص ۹۹.	

- اصحابنا، ۲۰۳

- بعض اصحابنا، ۲۰۴

- اصحابنا البغدادیون، ۲۰۵

- اصحابنا القمیون، ۲۰۶

- قوم من القمیین، ۲۰۷

اما گاه به نقد کلام آنان می‌پردازد. ۲۰۸

گاه نیز ضعف مؤلفان به صیغه مجهول بیان شده است که ظاهراً جرح کمتری را می‌رساند. نجاشی دربارهٔ احمد بن هلال عبرتایی می‌نویسد:

صالح الروایة، يعرف منها وینکر و قد روی فیہ ذموم من سیدنا ابی محمد المسکری رضی الله عنه. ۲۰۹

وی وجوه پاره‌ای از روایت دال بر ذم احمد بن هلال را با فعل مجهول (زوی) بیان کرده و هیچ اصطلاحی مبنی بر جرح او به کار نبرده و فقط قایل به تفصیل در میان احادیث او شده (یعرف و ینکر) و از یکی از اصطلاحات مرتبه خفیف تعدیل (صالح الروایة) در مدح او استفاده کرده است. ابن غضایری نیز همچون نجاشی قایل به تفصیل در میان احادیث احمد بن هلال شده و معتقد است که باید در احادیث احمد بن هلال درنگ نمود. البته به‌جز روایت او از دو کتاب المشیخه حسن بن محبوب و النوادر ابن‌ابی‌عمیر که نیاز به درنگ و تأمل ندارد؛ زیرا این دو کتاب را گروهی از اصحاب حدیث شنیده‌اند و به آن دو اعتماد کرده‌اند. ۲۱۰ این در حالی است که شیخ طوسی نامبرده را در آثار رجالی و روایی‌اش به شدت تضعیف نموده و او را در شمار غالیان قرار داده است. ۲۱۱ کشی نیز او را مذموم و ملعون دانسته است. ۲۱۲ آیه‌الله خوبی، فساد عقیده و غلو احمد بن هلال را نپذیرفته و از کلام نجاشی و ثناقت او را استفاده کرده است. ۲۱۳ اما علامه شوشتری سخن نجاشی را نادرست تلقی نموده و «کثیر الروایة» را به جای «صالح الروایة» در کلام نجاشی اصل دانسته است ۲۱۴ که به هیچ روی بر وثاقت راوی دلالت ندارد.

نجاشی تضعیف حسین بن عبیدالله بن سعدی را به صیغه مجهول بیان کرده (طعن علیه و رمی بالغلو) و در ادامه او را صحیح الحدیث دانسته است. ۲۱۵ بنابراین نقل کشی مبنی بر اخراج حسین بن

۲۰۳. همان، ش ۵۶، ص ۲۸، ش ۱۴۱، ص ۶۱، ش ۲۶۴، ص ۱۰۵ و ...

۲۰۴. همان، ش ۱۵۲، ص ۶۵، ش ۵۱۳، ص ۱۹۲، ش ۱۰۴۴، ص ۳۸۴ و ...

۲۰۵. همان، ش ۶۱۷، ص ۲۳۳. ۲۰۶. همان، ش ۱۸۳، ص ۷۷، ش ۹۰۴، ص ۳۳۸، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹.

۲۰۷. همان، ش ۷۷، ص ۳۸.

۲۰۸. همان، ش ۷۷، ص ۳۸، ش ۱۵۲، ص ۶۵، ش ۶۱۷، ص ۲۳۳، ش ۸۶۱، ص ۳۲۹، ش ۱۰۴۴، ص ۳۸۴.

۲۰۹. همان، ش ۱۹۹، ص ۸۳. ۲۱۰. الرجال ابن غضایری، ش ۱۶۶، ص ۱۱۲.

۲۱۱. الفهرست، ص ۸۳؛ الرجال، ص ۳۸۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۰۴؛ الإستیعصار، ج ۳، ص ۲۸؛ الفنیة، ص ۳۹۹، ۳۵۳.

۲۱۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۶. ۲۱۳. معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۲۱۴. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۴۷. ۲۱۵. رجال النجاشی، ش ۸۶، ص ۴۲.

عبیدالله بن سعدی به همراه سایر متهمان به غلو از قم^{۲۱۶} می‌توان گفت طعن مذکور در کلام نجاشی از جانب قمی‌ها صورت گرفته است. علامه شوشتری با توجه به کلام نجاشی - که به صیغه مجهول او را متهم به غلو نموده - بیان می‌دارد:

هیچ یک از علمای رجال ادعای تحقق و اثبات غلو وی را نکردند و از آن‌جا که نجاشی احادیث کتب او را صحیح دانسته، لذا اتهام غلو او بی‌پایه است.^{۲۱۷}

همچنین غلو حسن بن خرزاد قمی با فعل مجهول «قیل» بیان شده است.^{۲۱۸} برخی معتقدند روایت محمد بن احمد بن یحیی از او و عدم استثنای او از راویان کتاب نوادر الحکمة توسط ابن‌ولید، دلیل بر وثاقت و عدم غلو او دارد.^{۲۱۹}

برخی نمونه‌های دیگری که نجاشی، تضعیف مؤلفان را مستند به دیگران، به صیغه مجهول بیان نموده، عبارت‌اند از: ش ۲۰۲، ص ۸۴، ش ۲۴۰، ص ۹۷، ش ۲۷۶، ص ۱۴۵، ش ۴۳۳، ص ۱۶۴، ش ۴۸۲، ص ۱۸۲، ش ۵۷۸، ص ۲۲۱، ش ۶۳۳، ص ۲۳۸، ش ۱۱۱۲، ص ۴۱۶.

گفتنی است که همواره این گونه نیست که هر جا نجاشی شخصی را به صیغه مجهول تضعیف نموده، نشان از عدم پذیرش ضعف او از سوی اوست؛ به عنوان مثال، ابتدا علی بن عباس جرادینی را با فعل مجهول تضعیف نموده (رمی بالغلو و غمز علیه) و در ادامه خود، او را اکیداً تضعیف کرده است (ضعیف جداً).^{۲۲۰} همچنین بیشتر تضعیفات نجاشی - که به صیغه مجهول بیان شده - مشابه و گاه عین کلام ابن‌غضایری است که در این باره در ادامه سخن خواهیم گفت.

۵-۴. اجتناب نجاشی از روایت نمودن از ضعیفان و متهمان

مسأله مشایخ نجاشی از جمله مسائل مهم و وثاقت آنان تقریباً مورد اتفاق صاحب نظران متأخر دانش رجال است و این امر به سبب احتراز و دوری نجاشی از مشایخ ضعیف یا متهم به ضعف حاصل آمده است.

نجاشی معمولاً از مشایخ خود به نیکی یاد کرده و آنان را توثیق نموده است.^{۲۲۱}

همچنین او برای بسیاری از مشایخ خود طلب رحمت کرده است.^{۲۲۲}

به علاوه، نجاشی ضمن عبارتی همه مشایخ خود را یک‌جا توثیق نموده است. او در شرح حال یکی از مشایخ خود از شیوخ خویش این گونه یاد کرده است:

سمعت شیوخنا الثقات^{۲۲۳}

۲۱۶. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۲

۲۱۷. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۹۶

۲۱۸. رجال النجاشی، ش ۸۷، ص ۴۴

۲۱۹. قاموس الرجال، ج ۳، ص ۱۵۶

۲۲۰. رجال النجاشی، ش ۶۶۸، ص ۲۵۵

۲۲۱. همان، ش ۱۵۱، ص ۶۵، ش ۱۶۵، ص ۶۸، ش ۲۰۹، ص ۸۶، ش ۲۱۱، ص ۸۷، ش ۳۱۳، ص ۱۲۲، ش ۶۱۰، ص ۲۳۰، ش ۱۰۶۲،

ص ۳۹۷، ش ۱۰۶۶، ص ۳۹۸، ش ۱۰۶۷، ص ۳۹۹ و...

۲۲۲. همان، ش ۱۶۶، ص ۶۹، ش ۲۰۶، ص ۸۵، ش ۱۸۲، ص ۷۶ و...

۲۲۳. همان، ش ۱۰۴۷، ص ۳۸۵

در این عبارت کلمه «شیوخنا» جمع مکسر است. «الثقات» نیز علاوه بر جمع مکسر، معرف به «ال» است که این گونه جمع نزد علمای نحو و اصول دلالت بر استغراق و جمع دارد. کلمه «الثقات» - که به عنوان صفت ذکر شده است - در مقام مدح است، نه این که قید احترازی باشد و گفته شود. شیوخ نجاشی دو گروه بودند: ثقة و غیر ثقة.^{۲۲۴}

برخی مطالب در فهرست نجاشی نشان از دقت عمیق او در انتخاب استاد و پرهیز از روایت از مشایخ ضعیف یا در معرض اتهام دارد، او با شماری از مشایخ حدیثی معاصر خود دیدار و بعضاً از آنان سماع داشته، اما به دلیل ضعف موجود در آنان یا تضعیف آنان توسط دیگران، از آنان یا اصلاً روایت ننموده و یا با واسطه از آنان روایت کرده است. او اسحاق بن بکران عقربانی را به سبب ضعف در مذهب تضعیف کرده و سپس به ماجرای دیدار خود با او در کوفه اشاره نموده و می نویسد:

وی در کوفه کتاب کلینی را از او روایت می کرد و در آن زمان به غلو گراییده بود، لذا من مطلبی را از او سماع نکردم.^{۲۲۵}

نجاشی درباره احمد بن محمد بن عبیدالله جوهری - که از مشایخ روایی زمان وی بود - نوشته است:

او که از دوستان من و پدرم بود، در اواخر عمرش دچار اضطراب شد. من از او اطلاعات زیادی کسب کردم، اما چون دیدم بزرگان اساتیدم او را تضعیف می کنند، از روایت از او خودداری نمودم.^{۲۲۶}

نجاشی همچنین بعد از تضعیف ابوالفضل شیبانی می نویسد:

گرچه من او را دیده و از وی مطالب زیادی شنیده ام، اما خودم بدون واسطه از او روایت نمی کنم، بلکه با یک واسطه از او نقل می کنم.^{۲۲۷} از این سخن نجاشی دانسته می شود که او صرفاً روایاتی که مشایخ مورد اعتمادش از ابوالفضل روایت کرده اند، روایت کرده است.

نجاشی از مشایخ معاصر دیگری نیز یاد کرده و به بیان ضعف آنها پرداخته، اما اشاره ای به عدم روایت خود از آنان نکرده است. از کاوش در طرق روایی او دانسته می شود که او از آنان روایت نکرده است؛ از جمله، علی بن احمد کوفی،^{۲۲۸} علی بن عبدالله بن عمران قرشی^{۲۲۹} و هبة الله بن احمد کاتب.^{۲۳۰}

علامه بحر العلوم درباره عدم روایت نجاشی از شخص اخیر می نویسد:

نجاشی در کتاب خود بر هبة الله اعتماد نکرده و او را در طرق خود داخل نکرده است و این عمل نجاشی به دلیل وجود کتابی است که هبة الله تألیف کرده است.^{۲۳۱}

۲۲۵. رجال النجاشی، ش ۱۷۸، ص ۷۴.

۲۲۷. همان، ش ۱۰۵۹، ص ۳۹۶.

۲۲۹. همان، ش ۶۹۸، ص ۲۶۸.

۲۳۱. رجال بحر العلوم، ج ۲، ص ۹۶.

۲۲۴. رجال بحر العلوم، ج ۲، ص ۹۹.

۲۲۶. همان، ش ۲۰۷، ص ۸۵.

۲۲۸. همان، ش ۶۹۱، ص ۲۶۵.

۲۳۰. همان، ش ۱۱۸۵، ص ۴۴۰.

نامبرده کتابی دارد که در آن تعداد ائمه علیهم‌السلام را سیزده تن ذکر کرده است.^{۲۳۲} علامه بعد از بیان این مطلب، چنین نتیجه می‌گیرد:

نجاشی از ضعفا و متهمان دوری گزیده و بر مشایخ روایی خود اعتماد کرده که همه آنان ثقة بوده‌اند و رواشان از ضعف به دور بوده است.

او در ادامه مطالبی را که شیخ طوسی درباره ابن‌نوح سیرافی، از مهم‌ترین مشایخ نجاشی، مبنی بر فساد عقیده نامبرده بیان داشته، بی‌اساس دانسته است.^{۲۳۳}

در یک نگاه کلی و با توجه به روش نجاشی در نقد رجال، شناسایی طرق ضعیف، اجتناب از راویان ضعیف و مجهول و تعجب از راویان موثقی که از ضعیفان روایت کرده‌اند،^{۲۳۴} و بسیاری نکات دیگر می‌توان دریافت که کسی که این گونه دقت می‌کند و وضعیت راویان را بررسی می‌نماید، حتماً خودش از غیر ثقة روایتی نقل نمی‌کند؛ شأن او برتر از آن است که از ضعیف و مجهول روایت کند؛ زیرا این امر اقدام به باطل و نشان تناقض و اضطراب در سخن است.^{۲۳۵}

۵. نقدها

۱- ۵. نقد برخی از مطالب آثار نویسندگان

نجاشی کتاب رجال ابو عمرو کثی را با وجود دارا بودن اطلاعات فراوان، حاوی اشتباهات زیادی دانسته است.^{۲۳۶} او در فهرست خود به برخی اشتباهات رجال الکشی اشاره می‌کند؛ از جمله سخن کثی را درباره روایت ابراهیم بن هاشم قمی از امام رضا علیه‌السلام و یونس بن عبدالرحمن مورد تردید قرار می‌دهد.^{۲۳۷}

همچنین نجاشی فهرست محمد بن جعفر بن بطه مؤدب را مشتمل بر اشتباهات زیاد دانسته است.^{۲۳۸} او هنگامی که از کتاب شخصی به نام جهم بن حکیم یاد می‌کند، می‌نویسد:

ابن‌بطه کتاب او را در فهرست خود ذکر کرده و در اسناد آن دچار خلط شده است.^{۲۳۹} مؤید کلام نجاشی، سخن ابن‌ولید درباره ابن‌بطه است (مخلاًطاً فیما یسنده) که نجاشی آن را نقل کرده است.^{۲۴۰}

۲- ۵. نقد برخی طرق منتهی به آثار نویسندگان

نجاشی گاه طریق (سند) خود به برخی از مؤلفات و مؤلفان را با تعبیری چند، مخدوش اعلام نموده و

۲۳۳. رجال بحرالمعلوم، ج ۲، ص ۹۶.

۲۳۵. رجال بحرالمعلوم، ج ۲، ص ۹۹.

۲۳۷. همان، ش ۱۸، ص ۱۶.

۲۳۹. همان، ش ۳۳۳، ص ۱۳۰.

۲۳۲. رجال النجاشی، ش ۱۱۸۵، ص ۴۴۰.

۲۳۴. رجال النجاشی، ش ۳۱۳، ص ۱۲۲.

۲۳۶. همان، ش ۱۰۱۸، ص ۳۷۲.

۲۳۸. همان، ش ۱۰۱۹، ص ۳۷۳.

۲۴۰. همان، ش ۱۰۱۹، ص ۳۷۳.

گاه، روایان آثار را - که نامشان در طریق کتاب آمده - تضعیف کرده است.

وی به نقل از استادش، ابن نوح سیرافی یکی از طرق هشتمگانه‌اش به کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را «غریب»^{۲۴۱} دانسته است. همچنین او خبر از وجود «اضطراب»^{۲۴۲} در سند کتاب الوصیه اثر عیسی بن مستفاد داده است.^{۲۴۳}

او یکی از طرق کتاب النوادر محمد بن حسن بن شمون را «مظلم»^{۲۴۴} معرفی کرده است^{۲۴۵} و بیشتر روایانی را که در طرق مؤلفات جابر بن یزید جعفی قرار دارند، تضعیف کرده است.^{۲۴۶} کتاب خالد بن حماد قلانسی دو طریق دارد که بر یکی به دلیل وجود ابوهیره، عبدالله بن سلام خدشه وارد کرده است.^{۲۴۷}

راوی کتاب‌های سعید بن جناح شخصی ناشناخته و مجهول است.^{۲۴۸}

راوی کتاب‌های محمد بن حسن جعفری شخصی به نام بلوی است که مورد تضعیف و طعن واقع شده است.^{۲۴۹}

۳-۵. نقد آرای پیشینیان و استقلال رأی

نجاشی در سراسر فهرست اظهار نظرهای خود را به همراه نقد آرای گذشتگان در موضوعات گوناگون مرتبط با نگارندگان و آثارشان بیان کرده است. اظهار نظرهای او درباره جرح و تعدیل اشخاص بدین قرار است: نجاشی گاه آرای رجالی گذشتگان را نمی‌پذیرد و گاه خود به اظهار نظر درباره وضعیت رجالی اشخاص می‌پردازد؛ برای نمونه: نجاشی نظر گروهی از قمی‌ها را درباره حسن بن یزید نوفلی مبنی بر بروز اندیشه غلو در اواخر عمر وی ذکر کرده و سپس تردید خود را با تعبیر «الله اعلم» بیان و سبب این تردید را مشاهده نکردن روایتی که بر این معنا (وجود اندیشه غلو در او) دلالت کند، در مجموعه روایات او دانسته است:

۲۴۱. محققان وجوهی چند برای استغراب ابن نوح ذکر کرده‌اند؛ از جمله «عدم التوافق بین ما ذکره من تاریخ ابام جعفر الناصر مع ما ذکره الاصحاب و غیر هم فی تاریخ ملکه بعد وفات الناصر الکبیر... أو لعلوا الاستناد بروایة ابن حمزة عن الدینوری عن الحسین بن سعید مع أنه یروی غالباً بواسطه عن احمد بن محمد بن عیسی الذی یروی عن الحسن بن سعید...» (تذهیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ج ۲، ص ۱۷۵).

۲۴۲. منظور از اضطراب در سند، تزلزل و بی‌ثباتی در آن است؛ به مثل گاه راوی از پدرش از جدش روایت می‌کند و گاه از جدش بدون واسطه و گاه نیز از شخص سومی غیر از این دو (پدر و جد) روایت می‌کند (مقیاس الهدایة فی علم الدرایة).

۲۴۳. رجال النجاشی، ش ۸۰۹، ص ۲۹۸. در طریق کتاب مذکور، نام ابو عیسی عبیدالله بن فضل بن هلال بن فضل بن محمد بن سلیمان صابونی آمده است که ظاهراً این نام آمیخته‌ای از نام دو تن از روایان مصری است که اتفاقاً کنیه هر دو ابو عیسی است؛ یکی، عبیدالله بن فضل بن محمد بن هلال نبهانی (رجال النجاشی، ش ۶۱۶، ص ۲۳۲) و دیگری، محمد بن احمد بن ابراهیم بن سلیمان صابونی (همان، ش ۱۰۲۲، ص ۳۷۴) است که هر دو از مشایخ جعفر بن محمد قولویه بودند (مشیخة النجاشی، ص ۹۱).

۲۴۴. طریقی را گویند که در آن اشخاص ناشناخته و مجهول وجود داشته باشد (معجم علوم الحدیث النبوی، ص ۳۲).

۲۴۵. همان، ش ۳۳۲، ص ۱۲۸.

۲۴۶. رجال النجاشی، ش ۸۹۹، ص ۳۳۶.

۲۴۷. همان، ش ۵۱۲، ص ۱۹۱.

۲۴۸. همان، ش ۳۳۸، ص ۱۴۹.

۲۴۹. همان، ش ۸۸۴، ص ۳۲۴.

ما رأینا له رواية تدلّ علی هذا. ۲۵۱

نمونه دوم، تعجب نجاشی از عملکرد اساتیدش در روایت از ضعفه که در واقع نوعی انتقاد از آنان است. او ذیل نام جعفر بن محمد بن مالک - که به شدت تضعیف شده است - از ابو علی بن همام و ابو غالب زراری - که از نامبرده روایت کرده‌اند - تعجب کرده است:

لا ادري كيف روى عنه. ۲۵۲

در نمونه سوم، نجاشی بعد از بیان ایراد احمد بن محمد بن عیسی بر علی بن محمد قاسانی مبنی بر شنیدن عقاید نادرست از وی، اشاره به مؤلفات او کرده و نوشته است:

در کتاب‌های او مطلبی که بر این معنا (عقاید نادرست) دلالت کند، وجود ندارد؛ لیس فی کتبه ما یدلّ علی ذلک. ۲۵۳

برخی معتقدند این سخن نجاشی در مقام ردّ یا کم‌رنگ نشان دادن سخن احمد بن محمد بن عیسی نیست و میان دو سخن مزبور منافاتی وجود ندارد. ۲۵۴ و چه بسیار اشخاصی که دچار اندیشه غلو شده‌اند، اما کتاب‌های سالم و وزینی دارند. ۲۵۵

نمونه چهارم، نجاشی ذیل نام محمد بن آورمه، ابتدا به تضعیف و اتهام او به غلو توسط قمی‌ها اشاره کرده، سپس ماجرای نقشه قتل او را به دست قمی‌ها و انصراف قمی‌ها از آن به سبب نمازگزاردن وی نقل کرده است. آن‌گاه، به طور مشخص از یکی از چهره‌های نقاد علم رجال در قم یاد کرده و طعن او را دربارهٔ محمد بن آورمه بیان می‌کند. نجاشی بعد از نقل تمام مطالب مربوط به تضعیف نامبرده، به نقل از بعضی صاحب نظران شیعه (بعض اصحابنا) ۲۵۶ خبر از وجود سند مکتوب منتسب به معصوم^ع دربارهٔ براءت و پاکی محمد بن آورمه داده و در ادامه، تمام مؤلفات وی را به جز کتاب تفسیر الباطن - که به او منسوب است - صحیح دانسته است. ۲۵۷

در نمونه پنجم، نجاشی - که محمد بن عیسی بن عبید را توثیق کامل نموده است - سخن ابن ولید را دربارهٔ بی‌اعتبار بودن روایات منفرد محمد بن عیسی بن عبید از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده و در ادامه، در نقد آن نوشته است:

اصحابمان ۲۵۸ را دیدم که این گفته را رد کرده و آن را نپذیرفتند و همواره [در مقام مدح او]

۲۵۲. همان ش ۳۱۳، ص ۱۲۲.

۲۵۱. همان، ش ۷۷، ص ۳۸.

۲۵۴. معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۲۵۳. همان، ش ۶۶۹، ص ۲۵۵.

۲۵۵. قاموس الرجال، ج ۷، ص ۵۴.

۲۵۶. منظور نجاشی از «بعض اصحابنا» به احتمال قوی، ابن غضایری است که در بخشی از ترجمه محمد بن آورمه گفته است: «و رأیت کتاباً خرج من أبی الحسن، علی بن محمد^ع الی القمیین فی براءته مما قذف و حسن عقیدته و قرب منزلته» (الرجال، ش ۱۳۳، ص ۹۳).

۲۵۷. رجال النجاشی، ش ۸۹۱، ص ۳۲۹.

۲۵۸. منظور از «اصحابنا»، ابن نوح سیرافی است؛ زیرا نجاشی بعد از یادکرد استثنای شماری از راویان کتاب نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی توسط ابن ولید - که در آن نام محمد بن عیسی بن عبید نیز وجود دارد - نظر ابن نوح را دربارهٔ استثنای مذکور

می‌گفتند: «چه کسی مانند محمد بن عیسی است!».

نجاشی در ادامه، چند روایت دال بر مدح و توثیق محمد بن عیسی بن عبید ذکر کرده است.^{۲۵۹} نمونه ششم، قمی‌ها محمد بن عیسی همدانی را به سبب غلو، تضعیف کرده و ابن‌ولید او را جعل‌کننده حدیث دانسته است. نجاشی بعد از بیان این مطلب، با بیان «الله اعلم» تردید خود را درباره تضعیف او نشان داده است.^{۲۶۰}

آیه‌الله خویی نیز با توجه به انتساب ضعف نامبرده به قمی‌ها و ابن‌ولید و بیان «الله اعلم» توسط نجاشی، توقف او را در تضعیف محمد بن موسی همدانی نتیجه گرفته است.^{۲۶۱}

نجاشی گاه به نقد آرای رجال ابن‌غضایری می‌پردازد. او درباره محمد بن بحر رهنی می‌نویسد: برخی از اصحاب ما معتقدند که او از نظر اعتقادی دارای اندیشه غلوآمیز است (فی مذهب ارتفاع)، در حالی که حدیث او بدون عیب است. نمی‌دانم از کجا چنین چیزی گفته شده است؟^{۲۶۲}

ظاهراً منظور از برخی اصحاب، ابن‌غضایری است که درباره نامبرده گفته است:

ضعیف، فی مذهب ارتفاع.^{۲۶۳}

نتیجه

پژوهش دقیق نشان داد که نجاشی در امر جرح و تعدیل و رجال‌شناسی، اعم از روایان اخبار و نویسندگان آثار بسیار زبردست و دارای اطلاعاتی گسترده بوده است. او در علم رجال تمحض و تخصص داشت و بر خلاف دیگران که معمولاً به همه فنون می‌پرداختند، همت خود را فقط به علم رجال مصروف نمود و در این فن یگانه دوران گشت. او در سراسر فهرست خود از اصطلاحات دقیق علمی - فنی درباره رجال و آثارشان بهره گرفته است.

نجاشی در نقد حال روایان و آثارشان همواره به رعایت حق و انصاف، فرونگذاردن جانب احتیاط، استناد به نقل‌های صحیح، استقلال رای عالمانه، رویکرد واقع‌گرایانه و ابراز رای شجاعانه ملتزم بوده است.

کتابنامه

- اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: سید حسن مصطفوی، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۴۸ش.

➔ چنین نقل می‌کند: ابن‌ولید و شاگردش ابوجعفر بن بابویه (شیخ صدوق) در این باور خود، بر صواب هستند، مگر در مورد محمد بن عیسی بن عبید که نمی‌دانم چه چیزی ابن‌ولید را درباره او به تردید انداخته است؛ چون او ظاهر العدالة و ثقة است،

(رجال النجاشی، ش ۹۳۹، ص ۳۴۸). ۲۵۹. همان، ش ۸۹۶، ص ۳۳۳.

۲۶۰. همان، ش ۹۰۴، ص ۳۳۸. ۲۶۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۸۳.

۲۶۲. رجال النجاشی، ش ۱۰۴۴، ص ۳۸۴. ۲۶۳. همان، ش ۱۴۷، ص ۹۸.

- الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمدبن حسن طوسی، تحقیق: حسن خراسان، تصحیح: محمّد آخوندی، قم: دارالکتاب الاسلامیة، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، اول، ۱۳۷۴ش.
- تهذیب الاحکام فی شرح المقننه، محمدبن حسن طوسی، تحقیق: حسن خراسان، تصحیح: محمّد آخوندی، قم: دارالکتاب الاسلامیة، چهارم، ۱۳۶۵ش.
- تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، محمدعلی موحد ابطحی، قم: مطبعة سیدالشهداء، ۱۴۱۷ق.
- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، محمدرضا جدیدی نژاد، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۸۱ش.
- الذریعة الی نصاب الشیعة، آقابزرگ محمّد محسن تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ق)، بیروت: دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ق.
- الرجال، ابن غضایری احمد بن حسین (ق ۵)، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، اول، ۱۴۲۲ق.
- الرجال، محمدبن حسن طوسی، تصحیح: محمّدصادق بحرالعلوم، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- رجال النجاشی، احمدبن علی نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ق)، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، هفتم، ۱۴۲۴ق.
- علم الحدیث و درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
- الفوائد الرجالیة (رجال بحرالعلوم)، محمدمهدی بحرالعلوم (۱۱۱۵ - ۱۲۱۲ق)، محمّدصادق بحرالعلوم و حسین بحرالعلوم، نجف: دارالزهراء، اول، ۱۳۸۵ق.
- الفهرست، محمدبن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ق)، تحقیق: محمّدصادق بحرالعلوم، نجف: مکتبة المرتضویة، بی تا.
- قاموس الرجال، محمّدتقی شوشتری (۱۲۸۲ - ۱۳۷۴ش)، تهران: مرکز نشر الکتاب، ۱۳۷۹ش.
- مشیخة النجاشی، دریاب نجفی، قم: دارالکتاب، اول، ۱۴۱۳ق.
- معجم رجال الحدیث شیعة، ابوالقاسم خویی (۱۲۷۸ - ۱۳۷۱ش)، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
- معجم علوم الحدیث النبوی، عبدالرحمن بن ابراهیم خمیسی، بیروت: دار ابن حزم، سعودیة: دارالاندلس الخضراء، اول، ۱۴۲۱ق.
- معرفة الحدیث، محمّدباقر بهبودی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ش.
- «جریان شناسی غلو و غالیان در رجال نجاشی» محمّدتقی دریاری بیدگلی، مقالات و بررسی ها، دانشکده الهیات دانشگاه تهران، دفتر ۷۷، ص ۴۷ - ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴ش.
- مقياس الهداية في علم الدراية، عبدالله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
- مقدمه بر اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمّد واعظزاده خراسانی، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۴۸ش.

- مقدمه بر الرجال ابن فضالری، محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۲ق.
- الممل و النحل، محمّد بن عبدالکریم شهرستانی (؟۴۷۹ - ؟۵۴۸ق)، تحقیق: محمّد سیدکیلانی، بیروت: دارالمعرفة، دوم، ۱۳۹۵ق.
- منهج النقد فی علوم الحدیث، نورالدین عتر، دمشق، ۱۴۱۸ق.
- «جستاری در باب نسبت کتاب الضعفاء به ابن غضایری»، مهدی جلالی، مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۶۸، ص ۱۱ - ۴۳، تابستان ۱۳۸۴ش.
- «روش ابن غضایری در نقد رجال»، مهدی جلالی، مطالعات اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۶۵ و ۶۶، ص ۵۵ - ۸۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۳ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی